خبر

اتباع خارجی در ایران از حقوق شهروندی برخوردار هستند

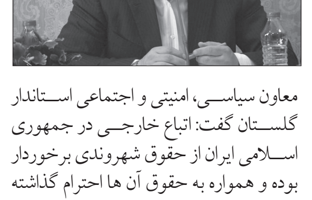

معاون سیاسـی، امنیتی و اجتماعی اسـتاندار گلسـتان گفت: اتباع خارجـی در جمهوری اسـلامی ایران از حقوق شهروندی برخوردار بوده و همواره به حقوق آن ها احترام گذاشته می شود. به گزارش مهر به نقل از پایگاه اطلاع رسانی استانداری گلستان،علی اصغرطهماسبی در دیـدار با رئیس جدید کمیسـاریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، دفتر نمایندگی مشهد اظهار کرد: طبق قانون برادری و برابری که از آموزه های دین مبین اسلام و سیره پیامبر مکرم (ص) است، ما هیچ تفاوتی بین اتباع و هم وطنان خود قائل نیسـتیم. وی افزود: اتباع خارجی در جمهوری اسلامی ایران از حقوق شهروندی برخوردار بوده و ما همواره به حقوق آن ها احترام می گذاریم. معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان ادامه داد: تحصیل و حرفـه آموزی اتباع و فرزندان آن ها یکی از کارهای بسـیار خوبی است که جزء اولویت های حوزه اتباع و مهاجرین خارجی در استان گلستان قرار دارد. طهماسبی ضمن تبریک روز جهانی پناهنده به رئیس دفتر مشهد کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، خاطر نشان کرد: ما در اسـتان گلستان ظرفیت های بسیار خوبـی داریم و آمـاده هرگونـه همکاری با نمایندگی کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان هستیم.رئیس دفتر مشهد کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان هم در این دیدار بیان کرد: کشور ایران سالیان درازی است که سخاوتمندانه از اتباع و پناهندگان خارجی نگهداری می کند و به آن ها خدماتی ارائه می دهد که در دنیا بی نظیر اسـت.مولوگتا زودای مامو اضافه کرد: بیمه سـلامت اتباع خارجی، حقوق اجتماعی و حق تحصیل پناهندگان از جمله خدماتی است که به پناهندگان در ایران ارائه می شـود که در هیچ جـای دنیا در این سطح قابل مشاهده نیست.رئیس دفتر مشهد کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان یادآور شـد: سال گذشته در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک تصمیمی گرفته شد مبنی بر اینکه کشورهایی نظیر جمهوری اسلامی ایران که سالیان درازی به اتباع خارجی و پناهندگان خدمات ارائه می دهند، از حمایت های دفاتر سازمان ملل برخوردار باشند و به آن ها کمک شود که بر همین اساس دفتر کمیساریای علی سازمان ملل در مشهد متعهد است در این راه در کنار کشور ایران و استان گلستان باشد.

«»

آگاه سازی عمومی نسبت به سوء مصرف مواد مخدر ضروری است

دبیر شـورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر گلستان گفت: آگاه‌سازی عمومی نسبت به سوء مصرف مواد مخدر بسـیار ضروری است. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی شـورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر گلستان، محمود رضا روحانی‌فر در جلسه مشترک کمیته توسعه مشارکت‌های مردمی و کمیته‌فرهنگی پیشگیری که به ریاست معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری گلستان برگزار شد با اشاره به سالروز جهانی مبارزه با مواد مخدر و برنامه‌های این روز گفت: هر یک از دستگاه‌های عضو موظف به تدوین برنامه‌های اجرایی در این هفته با هدف تنویر افکار عمومی و حسـاس سـازی مردم هسـتند. وی نقش صدا و سـیما را به منظور فضاسازی مناسب رسـانه‌ای در اطلاع‌رسانی مفاهیم پیشگیرانه به مردم از طریق زیر نویس تلویزیونی و بسته‌ویژه‌خبری مهم تلقی کرد.دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر گلستان به بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های اجتماعی و شهری در سطح استان توسط دستگاه‌ها با هدف تعمیق مفاهیم پیشگیرانه برای ایجاد یک نگاه فرابخشی تاکید و تصریح کرد: مشارکت کلیه دستگاه‌ها در برگزاری باشکوه برنامه‌های هفته مبارزه با مواد مخدر و اجرای برنامه‌های موثر با بهره‌گیری از اعتبارات ذاتی دسـتگاه‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. وی یادآور شـد: برپایی مسابقات دوچرخه‌سواری، پیاده‌روی خانوادگی و ورزش‌های صبحگاهی به مناسبت این روز در سـطح فرمانداری‌ها توسط شورای فرعی هماهنگی مبارزه با مواد مخدر شهرستان‌ها و برگزاری کارگاه‌های پیشگیری اولیه از اعتیاد از دیگر برنامه‌های روز جهانی مبارزه با مواد مخدر است.

گلستان نگارستان ایران به رنگ وحدت

از کربلا میگذرد

مردم همیشه در صحنه گلستان بار دیگر با حضور پرشور در راهپیمایـی روز قدس ندای حمایت از مردم مظلوم فلسـطین و انزجار از حکومت غاصب اسرائیل را سر دادند.مردم در آخرین جمعه ماه مبارک رمضان مسلمانان در اقصی نقاط دنیا به خیابان‌ها می‌آیند تا حمایت خود را از مردم مظلوم و ستمدیده فلسطین که سال‌هاست مورد ستم و ظلم استکبار قرار گرفتند، اعلام کنند.

راهپیمایـی روز جهانی قدس فرصـت و بهانه‌ای برای اعلام همبستگی تمامی مسلمانان دنیا با ملت ستمدیده فلسطین اسـت، مردم روزه‌دار استان گلستان هم امروز هم پای دیگر هم‌وطنان خود در ایران اسـلامی از همان اوایـل صبح به خیابان‌ها آمدند و بـا حمل پلاکارد بنر نوشته‌های فریاد حمایت از مردم فلسـطین را بر سر گرفتند.در این راهپیمایی مردم روزه‌دار گلسـتان هم‌نوا و هم‌صدا شـعارهای مرگ بر اسرائیل، امریکا، انگلیس و آل سـعود، الله‌اکبر، این‌همه لشکر آمده به عشق رهبر آمده، مرگ بر منافق و ... را فریاد زدند.در شـهر گرگان این راهپیمایی از حوالی سـاعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه صبح از میدان شـهرداری به سـمت چهارراه میدان و سپس مصلی گرگان در جریان است.در بین جمعیت از تمامی رده‌های سنی و اقشار دیده می‌شود، برخی کودکان خود را با کالسـکه به همراه آورده‌اند، برخی که سن و سالی از آن‌ها گذشـته است عصازنان از کنار خیابان جمعیت را همراهی می‌کنند. حضور اقوام رنگارنگ هم که جلوه همیشـگی راه پیمایی های گلستان است، حضوری که به‌تنهایـی فریـاد زن وحدت حاکم در این نگارسـتان ایران‌زمین اسـت.یکی از اساتید دانشگاه گلستان که به همراه دختر خردسـال خود در این راهپیمایی شرکت کرده بود به خبرنگار مهر گفت: برگزاری راهپیمایی روز جهانی قدس در آخرین جمعه ماه مبارک رمضان پیام‌ها و نشانه‌های زیادی دارد.زهرا جاهدی افزود: یکی از این نشانه‌ها، نماز جمعه است که در آن تمامی مسلمانان دنیا در صف واحدی قـرار می‌گیرند و همدلی و همراهی خود را نشان می‌دهند و این راهپیمایی هم با اقامه نماز جمعه و پیـام وحدت‌آفرین آن به پایان می‌رسـد.وی تصریح کرد: روز قدس، فقط روز فلسطین نیست بلکه روز اسـلام است، روز حکومت اسلامی و روزی است که باید به ابرقدرت‌ها فهماند که در کشورهای اسلامی جایگاهی ندارند.جاهدی اظهار کرد: ما با حضور خود در ایـن راهپیمایی به استکبار اعـلام می‌کنیم که روز قدس، به‌واقع روز حیات اسـلام و مقابله ستمدیدگان با ستمگران است.زینب خوجه، یکی از بانوان ترکمنی اسـت که بالباس سـنتی خود همراه با سایر دوستانش در راهپیمایـی شـرکت کرده اسـت، در رابطه با علت حضورش در این راهپیمایی گفت: هدف ما از شرکت در راهپیمایـی روز قدس اعلام انزجار از رژیم غاصب اسرائیل و آمریکا اسـت.وی افزود: صحنه کشته شدن زنان و کودکان فلسـطینی که گاهـا از تلویزیون پخش می‌شود بسیار دردناک اسـت و من امروز با زبان روزه آمـده‌ام که همدردی خودم را با آن‌ها نشـان دهم و به آن‌ها بگوییم که تنها نیسـتند.بانویی دیگـر که خود را دانشجوی دانشگاه منابع طبیعی گرگان معرفی می‌کند، بـه خبرنگار مهر گفت: من برای اطاعت از فرمان امام راحـل و حمایت از مظلومان جهان اسـلام مخصوصاً فلسـطین امروز به اینجا آمده‌ام تا نفـرت خودم را به این حکومت کودک کش نشـان دهم.وی افزود: قطعاً شـعارهای «مرگ بر اسـرائیل» و «مرگ بر آمریکا» به گوش صاحبان این شعارها می‌رسد و آن‌ها باید بدانند در ایران اسـلامی مردمی زندگـی می‌کنند که هیچ‌گاه این شـعار را فراموش نخواهنـد کرد.این بانوی جوان ادامـه داد: شـرکت در راهپیمایـی روز قدس به‌نوعی نشـان‌دهنده پایبندی مردم بـه آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی و پشتیبانی از ولایت‌فقیه است.در بین جمعیت مردان و زنان زیادی دیده می شوند که دست کودکان خود را در دسـت گرفته اند و شـعار سر می دهند. به سراغ یکی از این افراد می روم. سعید تازیکی که دسـت دو قلوهای خود را گرفته و همگام و همراه با جمعیت فریاد «الله اکبر» و «مرگ بر اسـرائیل» سـر می دهد می گویـد دو کودکم را از خواب بیدار کردم و همراه خود به راهپیمایی آورده ام تا از همین سـنین ابتدایی با آرمان های جمهوری اسـلامی آشنا شوند و بداننـد باید چه راهی را ادامه دهند.وی ادامه داد: به یاد دارم همیشه همراه پدرم در راهپیمایی ها شرکت داشتم و حضور امروز من هم برای ادامه دادن راه پدرم در راه حفظ آرمان های انقلاب اسلامی است.

مردم همیشه در صحنه گلسـتان هرسال بدون در نظر گرفتن سـرما، گرما برای اعلام حمایـت خود از مردم مظلوم فلسطین به خیابان‌ها می‌آیند و این نشان از غیرت این مردم مسلمان است و اینکه هر جا ندای مظلومیت مردمی را بشنوند در راه حمایت از آن‌ها گام برمی‌دارند.

دکتر بابک دربیکی:

دولت از مدیران ضعیف همسو بیشتر از مدیران ناهمسو ضربه می خورد

در آخرین شماره قبل از انتخابات با دکتر بابک دربیکی گفت‌وگویی داشتیم که مورد توجه مخاطبان قرار گرفت. بابک دربیکی از معدود چهره‌های استان است که روزهای حسـاس پیش و پس از انتخابات را درکنار یک رئیس جمهور منتخب تجربه کرده است. چهار سال پیش در چنین روزهایی، بسیاری از رسـانه‌ها از او نیز به‌عنوان یکـی از مدیران دولت در حوزه فرهنگ و رسـانه نام می‌بردنـد. در نهایت این اتفاق نیز رخ داد و همان‌گونه که در مقدمه‌ی مصاحبه قبل گفته شد، او از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت به‌عنوان مشاور و رئیس مرکزروابط عمومی واطلاع‌رسانی این وزارت منصوب شـد. اما نکته مهم‌تر این اسـت کـه او در روزهای پر التهاب پس از انتخابات ۹۲ در جریان چگونگی بسیاری از انتصاب‌های دولتی قرار داشـته و در مواردی طرف رایزنی برخی نیروهای اسـتانی برای ایجاد تغییراتی در مدیران منطقه بوده است. لذا در روزهایی که بسیاری از نیروهای سیاسی منتظر ایجاد تغییراتی در مدیریت کشور و مشخصاً استان هسـتند، فرصت را مناسب دیدیم و در ادامه‌ی مصاحبه قبل، نظرات او را پیرامون سـازوکار تغییرات احتمالی دولت دوازدهم جویا شدیم که نتیجه‌ی آن پیش روی شما است.

جناب دکتر، چـه در جریان رقابت‌های انتخاباتی و چه پس از آن، ایجاد تغییرات در میان مدیران دولت، یکی از اصلی‌ترین مطالبات هواداران رئیس جمهور اسـت. حال این سؤال مطرح است که این تغییرات در چه سـطوحی و به چه شکلی باید صورت گیرد کـه کارآمدی دولـت را بالا ببرد؟ به اعتقـاد من، در شـرایط امروز، قبل از ورود به مسائل داخلی و استانی، لازم اسـت که درکی از تحولات بین‌المللی و شرایطی کـه این تحولات برای دولـت دوازدهم ایجاد می‌کند، داشـته باشـیم. از نظر من، با توجه به شـرایط خاص منطقه، علی‌الخصوص در سوریه و افزایش رقابت بین قدرت‌های منطقه، که بـا فروکش کردن تهدید داعش تشدید خواهد شـد و همچنین وجود دولت تندروی ترامپ در آمریکا و رشـد فزاینده تروریسم در اروپا و منطقه خاورمیانه، دولت دوازدهم در عرصه بین‌الملل با چالش‌هـای فراوانی روبرو خواهد بود؛ چالش‌هایی که می‌تواند حتی علی‌رغم قول دکتـر روحانی، به وضع تحریم‌های جدید علیه کشورمان نیز بیانجامد.همچنین شـکل‌گیری جبهه‌ی عبری–عربی در مقابـل ایران و همسویی رقبای عرب ما با اسرائیل، در سطح منطقه و روابط با همسایگان نیز شرایط دشواری در انتظار دولت آینده خواهد بود. در عین حال رقابت های منطقه ای را نیز باید به این مسـائل افزود و حتی خواست کردستان عراق برای استقلال.

شرایط داخلی کشـور را چطور ارزیابی می‌کنید؟ به بیان بهتر؛ در داخل کشور چه موانعی بر سر راه رئیس جمهور قرار دارد؟مطمئناً دکتر روحانی در داخل نیز با مشـکلاتی بیش از دور اول خود مواجه خواهد بود. بر اساس آنچه ما در رقابت‌های انتخاباتی از رئیس جمهور دیدیم و شنیدیم، به نظر می‌رسد که تمرکز ایشان بر حوزه مسـائل داخلی بسیار بیشتر شده و برخلاف چهار سال گذشته، باید منتظر تحرک بیشـتر دولت در این حوزه باشیم. بی‌تردید این رویکرد با مخالفت جدی جناح مقابل همراه خواهد بود و آنان با انسـجام و اتحاد بیشتری در مقابل دولت و رئیس جمهور خواهند ایستاد. چراکه نگاه دولت آقای روحانی با نگاه و منافع بسـیاری از آنان در تعارض جدی است.

حال با توجه به این شـرایطی که ترسیم کردید، باید انتظار چه تغییراتی را داشته باشیم؟

بنابر مواردی که به آنها اشاره کردم، باید گفت که چه در داخل و چه در خارج، چهار سـال سـخت و پر فراز و نشیب در انتظار رئیس جمهور و دولت ایشان خواهد بود. بر همین اسـاس، قطعـاً و یقیناً لازم اسـت که دولت دوازدهم از انسـجام و اتحاد بیشـتری نسبت به دولت فعلی برخوردار باشـد. مشـخصاً باید گفت که در این دوره نمی‌تـوان وزرایی را برگزید که چندان اعتقادی به شعارهای رئیس جمهور و مشی ایشان ندارند و نگاه‌شان به کانون‌های دیگر قدرت است. بنابراین معتقدم ضروری است که دکتر روحانی هم در سطح وزرا و هم در سطح استان‌ها، دست به جوان‌گرایی (نه الزاما سنی، که بیشتر رویکرد تحول است) بزند. این را نیز بگویم که متأسفانه در چهار سـال گذشـته، دولت برنامـه‌ای برای تربیت نیروهای قوی نداشت. اما در حال حاضر،همان‌گونه که خودایشان در اولین نشست خبری بعد از انتخابات اشاره کرد؛ باید جوان‌گرایی صورت بگیرد. در واقع لازم است که رئیس جمهور به نیروهای جوان همسو با خود اعتماد کرده و آنان را وارد عرصه کند تا بتواند برخی نیروهایی که در داخل دولت حضور دارند اما اعتقادی به مشی آن ندارند، کنار بگذارد.

س: فـارغ از تغییـرات احتمالـی کابینـه، یکی از اصلی ترینمطالبات حامیان رئیس جمهور در استان‌ها و شهرستان‌ها ایجاد تغییرات مثبت در مدیران منطقه‌ای بـوده و هسـت. انجام ایـن تغییـرات را تا چه حد ضروری می‌دانید؟در سطح استان‌ها ما متأسفانه تجربه خوبی نداشتیم. بر همین اساس معتقدم که اگر تغییران مثبت در استان‌ها و مناطق ایجاد نشود، نخبه‌ترین وزرا نیز نمی‌توانند کمکی به دولت کنند.

در اینجا جـا دارد به عقلانیت نیروهای اصلاح‌طلب و اعتدال‌گرا و حتی اصول‌گرایان معتدل اشـاره کنم که با درایت تمام، ناکارامدی برخی از مدیران در اسـتان‌ها را به پای کل دولت و رئیس جمهور نگذاشتند. چراکه اگر این اتفاق می‌افتاد و نتیجه انتخابات به عملکرد برخی از استانداران گره می‌خورد، احتمالا دکتر روحانی مجبور بود شکست را بپذیرد.

آیا گلستان نیز یکی از همین استان‌ها است؟

در مورد استان گلستان، ظرفیت‌های فراوانی وجود دارد که متأسـفانه نادیده گرفته شـده. از ظرفیت‌هایی مانند تنوع قومی، تنوع مذهبی و تنوع آب‌وهوایی که در دنیا کم‌نظیر است، گرفته تا برخورداری از مرز مشترک زمینی و دریایی با کشـورهای دیگر. در واقـع نه تنها از آنان استفاده نشده، که متأسفانه باید گفت در بسیاری از موارد، همین تنوع‌ها به‌دلیل سؤ مدیریت، باعث ایجاد و تعمیق شـکاف‌هایی خطرناک شده که برخی از آنان در همین انتخابات شوراهای شهر و روستا خود را نشان دادند.

اگر به‌صورت کمی و آماری نیز به تحولات اسـتان در چهار سـال اخیر بنگریم، با نهایت تأسف می‌بینیم که انتظارات در شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان برآورده نشده است. این در حالی است که در میان مدیران فعلی استان نیز چهره‌های توانمندی حضور دارند. اما به دلایل متعدد از جمله احتمالا فقدان یک همگرایی و تعامل سازنده، این مدیران نیز نتوانستند تمام ظرفیت خود را بروز دهند که نتیجه‌ی آن وضعیت فعلی است. البته در توسعه یک استان عوامل و شاخص های زیادی دخیل هستند و نباید انتظار داشت در مدت چهار سال همه اتفاقات خوب افتاده باشد، اما قطعا باید حرکت رو به رشد را احساس کرد.

در دور گذشته شـاهد انجام رایزنی‌هایی در سطوح مختلف برای تعیین مدیران ارشد استان بودیم. به نظر شما، این تغییرات باید با چه ساز و کاری انجام شود؟دولت جدید اگر می‌خواهد که در استان گلستان اتفاق مثبتی ایجاد شـود، لازم است هم دست به جوانگرایی شایسته سـالارانه زده و هم مدیریت ارشد استان را به چهره‌هایی بسـپارد که عامل وحدت و انسجام باشند. مطمئناً این ظرفیت در میان نیروهای استان وجود دارد. نباید از یاد ببریم که اساساً تا قبل از این، گلستان نمونه موفقی از وفاق و همزیستی اقوام مختلف بوده است و تجربه موفقی در همزیسـتی قومی و حتی سیاسی در استان وجود دارد. نکته مهم دیگری که باید به آن اشاره کنم، این اسـت که این تحول جز با همراهی نیروهای درون اسـتان اتفاق نمی‌افتـد و اگر برخلاف این عمل شود و این تغییرات بخواهد با اتکا به چانه‌زنی‌های صرفا سیاسـی و از بالا به پایین اعمال شـود، شکست آن از هم‌اکنون قطعی به‌نظر می‌رسد.

در ابتـدای گفت‌وگو به لزوم تغییر مدیرانی اشـاره کردید که با رئیس جمهور و شـعارهای او همسـو نیسـتند. اما در این چهارسال مدیرانی را دیده‌ایم که اتفاقاً به‌لحاظ سیاسی کاملاً با دولت همسو هستند اما از کارآمدی لازم برخوردار نیستند. آیا تداوم مدیریت این گروه به دولت آسـیب نمی‌زند؟این موضوع بسیار مهمی است.بی‌تردید دولت از مدیران ضعیف همسو بیشتر از مدیران ضعیف ناهمسو ضربه می‌خورد. چراکه عملکرد آنان کاملاً به‌حساب دولت گذاشته خواهد شد.

خبر

اجرای آیین «کوچه گردان عاشق» در گلستان؛

۱۵۰ کیسه مواد غذایی بین نیازمندان گلستانی توزیع شد

آیین «کوچه گردان عاشـق» برای چهارمین سـال متوالی در شـهر گرگان برگزار شـد و ۱۵۰ کیسـه مواد غذایـی بین محرومان و نیازمندان گلسـتانی توزیع شـد.به گزارش خبرنگار مهر، هجدهمین آیین «کوچه گردان عاشق» شامگاه چهارشنبه به همت جمعیت امام علـی (ع) برای چهارمین بار در شـهر گرگان برگزار و ۱۵۰ کیسه مواد غذایی بین نیازمندان و محرومان مناطق حاشـیه شـهر گرگان و دیگر نقاط اسـتان گلستان توزیع شد.این آیین با هدف تأمین نیازهای غذایی خانواده‌های محـروم در ماه مبارک رمضان، پس از گذشت ۱۸ سـال، به یک آیین ملی در شـب‌های ماه مبـارک رمضـان تبدیل شـده است و در شـهرهای مختلف کشور اجرایی می‌شـود.اقلام کیسه‌های توزیع‌شده شامل مرغ، گوشـت، برنج، حبوبات، قند و شکر، مواد بهداشتی و شوینده و ... مایحتاج موردنیاز یک خانواده در یک ماه است.

چهارمین دوره آیین کوچه گردان عاشق در گرگان که به تأسی از سیره عملی زندگی امام علی (ع) برگزار شـد، حوالی ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه عصر چهارشنبه در تالار فخرالدین اسـعد گرگانی با حضور دوست داران این جمعیت دانشـجویی آغاز شد.اجرای گروه سرود دختران تربیت‌یافته جمعیت امام علی (ع)، اجرای چند قطعه موسیقی توسط گروه موسیقی «مهرگان»، پخش کلیپ‌هایی مرتبط با مناطق حاشیه شهرهای گلستان، سخنرانی نیمـا مختاریان یکی از اعضای هیئت مدیره جمعیـت امام علـی (ع) و درنهایت قرائت میثاق نامه جمعیت برنامه‌های اجراشـده در این شب بودند.بعد از پایان مراسم و صرف افطاری کیسـه‌های مواد غذایی آماده شـده راهی کوچه پس کوچه‌های حاشـیه شـهر گرگان شدند تا برسند به دست نیازمندانی که چشـم انتظار کمک‌های مردمی هستند. این بسته‌ها در محله‌های کوی عرفان، محتشم، اسلام‌آباد، انجیراب و ... توزیع شد.

«»

مسئول پلیس فتا گلستان خبر داد:

افزایش ۳۱ درصدی تشکیل پرونده در پلیس فتا گلستان

CYBER POLICE

مسئول پلیس فتای استان گلستان از افزایش ۳۱ درصـدی تشـکیل پرونـده در حـوزه پلیس فتا گلسـتان خبـر داد وحید صاحب کاران ظهر چهارشـنبه در نشست خبری با اصحاب رسـانه اظهار کـرد: در برخورد با جرائم فضای مجازی، برداشت غیرمجاز از حسـاب ۱۴ درصد از کل پرونده‌های استان طی سـه ماه گذشـته را به خود اختصاص داده که نسـبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۷ درصد کاهش داشـته اسـت.وی با بیان اینکه کلاه‌بـرداری رایانـه‌ای ۱۶ درصد از کل پرونده‌هـای جرائـم اینترنتی را به خود اختصاص داده اسـت، تصریـح کرد: هتک حیثیت و جرائم علیه افراد شامل تهدید و ... ۶۱ درصد از کل پرونده‌های استان را شامل می‌شـود که نسبت به سـال گذشته از رشد ۱۲۸ درصدی برخوردار اسـت.صاحبکاران از افزایش ۳۱ درصدی تشـکیل پرونده در حـوزه پلیس فتا خبر داد و گفت: حدود ۹۶ درصد پرونده‌های ما طی سـه ماه گذشـته کشف‌شده و ۵۲ درصد از متهمین به مراجع قضایی اعزام‌شـده‌اند.وی افزود: ۸۲ درصد مجرمیـن فضای مجازی مـرد و ۱۸ درصد مابقی را بانوان تشکیل می‌دهند.

۳۸ درصد مجرمین فضای مجازی بین ۱۵ تا ۲۴ سال هستند

رئیس پلیس فتای گلستان گفت: ۳۸ درصد مجرمین فضای مجازی بین ۱۵ تا ۲۴ سال، ۶۱ درصد بین ۲۵ تا ۳۹ سـال و یک درصد بالای چهل سال را شامل می‌شود.

وی با بیان اینکه ۴۷ درصد مجرمین متال و ۵۳ درصد مجرد هستند، تصریح کرد: از این تعداد ۳۸ درصد شـاغل و ۶۲ درصد بیکار هسـتند، همچنین ۸۵ درصد آن‌هـا دارای مدرک زیر دیپلـم و ۱۵ درصد مابقی افراد دارای تحصیلات عالیه بودند.صاحب کاران اظهار کرد: در راستای اقدامات پیشگیرانه در فضای مجازی ۶ هزار نفر سـاعت آموزش در قالب همایش ، کارگاه و ... برگزارشـده که این آمار نسبت به مدت مشابه ۱۰ درصد افزایش داشته است.وی گفت: برداشت‌های غیرمجـاز به دلیل اعتماد بی‌مورد و نا آگهی کاربران از فضای مجازی رخ می‌دهد.

آگهی‌های ثبتی

آگهی مزایده اموال غیر منقول

ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده به مساحت ۵۹۶,۱۰ مترمربع(پانصد و نود و شش متر و ده دسی مترمربع) به پلاک ۲۵۷ (دویست و پنجاه و هفت) فرعی از ۷۷ (هفتاد و هفت) اصلی بخش سه ثبت گرگان که ذیل ثبت ۲۵۸۸۱ صفحه ۱۹ دفتر جلد ۱۶۶ به نام جواد بذرافشان ثبت و سند مالکیت صادر گردید محدود به حدود زیر می گردد.

ـ شمالا اول به طول هجده متر و سی سانتیمتر دوم که غربی است به طول شصت سانتیمتر دو قسمت دیواری است به قطعه یکصد و بیست و سه سوم به طول هفت متر و نود سانتیمتر دیواری است به قطعه یکصد

ـ شرقا اول به طول پنج متر ونود و پنج سانتیمتر به دیوار قطعه یکصد و هفت دوم به طول پنج متر و هفتاد سانتیمتر به دیوار قطعه یکصد و هشت که جنوبی است به طول یازده متر چهارم به طول شانزده متر و چهل سانتیمتر هر دو قسمت به دیوار قطعه یکصد و یازده

ـ جنوبا اول به طول دومتر و چهل سانتیمتر به دیوار قطعه یکصد و دوازده دوم به طول سه متر به دیوار قطعه یکصد و سیزده سوم به طول سه متر چهارم که شرقی است به طول هشت متر و ده سانتیمتر هر دو قسمت اخیر به دیوار قطعه یکصد و چهارده پنجم به طول سه متر و هشتاد سانتیمتر در سه ودیواریست به خیابان

ـ غربا اول به طول پنج متر و سی سانتیمتر دوم که جنوبی است به طول پنج متر و بیست و پنج سانتیمتر هر دو قسمت به دیوار قطعه یکصد و شانزده سوم به طول سه متر و بیست سانتیمتر به دیوار قطعه یکصد و هفده چهارم به طول چهار متر و بیست و پنج سانتیمتر پنجم که جنوبی است به طول سه متر و ده سانتیمتر هر دو قسمت اخیر به دیوار قطعه یکصد و هجده ششم به طول چهار متر و بیست سانتیمتر به دیوار قطعه یکصد و نوزده هفتم به طول چهار متر به دیوار قطعه یکصد و بیست هشتم به طول چهار متر و پنجاه سانتیمتر به دیوار قطعه یکصد و بیست و یک نهم به طول چهار متر و هفتاد سانتیمتر به دیوار قطعه یکصد و بیست و دو.

نامبرده ملکی خود را جهت اخذ تسهیلات به موجب سند رهنی شماره ۹۳۳۴۴ مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۰ تنظیمی دفترخانه سیزده گرگان در رهن بانک تجارت مدیریت شعب استان گلستان قرار داده که به علت عدم پرداخت بدهی منجر به صدور اجرائیه و تشکیل پرونده به کلاسه ۹۰۰۰۰۵۸(ب/۸۸۲) گردید بنا به تقاضای بستانکار در اجرای ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت ملک مزبور که برابر گزارش کارشناس رسمی به نشانی گرگان روستای محمدآباد مقابل فاطمیه به کدپستی ۴۹۳۳۱,۶۹۴۳۷ واقع شده و به مبلغ ۱/۱۱۸/۷۶۰/۰۰۰ ریال (یک میلیارد و یکصد و هجده میلیون و هفتصد و شصت هزار ریال) ارزیابی که قطعی گردید در ملک مزبور یک ساختمان یک طبقه حدود یکصد و ده متر مربع می باشد. اسکلت ساختمان آجری نمای اصلی سنگ چینی سفید و پوشش بام حلب با خرپای چوبی است. دارای امتیاز آب و برق و گاز چنانچه بابت حق الاشتراک و حق امتیاز و مصرف و عوارض شهرداری و بدهی مالیاتی و غیره تا روز مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده بر عهده برنده مزایده و برابر اعلام بانک ملک مزبور تا پایان سال نود و شش دارای سابقه بیمه می باشد لذا جلسه مزایده از ساعت نه صبح الی دوازده ظهر روز دوشنبه مورخ ۱۳۶۹/۴/۲۶ در محل اداره اجرای اسناد رسمی گرگان واقع در گل ۲۲ محل اداره کار سابق از مبلغ ارزیابی شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی فروخته خواهد شد. طالبین می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با مراجعه به اداره اجرا از محل مورد مزایده بازدید بعمل آورند.

حسین اسماعیلی ـ معاون ثبت گرگان ـ ۳۶۰ م الف

«»

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای علی میرلطیفی با ارائه ۲ برگ استشهادیه گواهی شده توسط دفتر ۱۳ گرگان ادعا نموده سند مالکیت ششدانگ پلاک ۲۶۸/۳۲۰۶ ـ اصلی بخش ۳ ثبت گرگان که ذیل ثبت ۶۱۲۹۰ صفحه ۱۳۶ جلد ۴۳۸ بنام علی میرلطیفی فرزند صفر بشناسنامه ۲۶۴۳۵ و شماره ملی ۲۱۲۰۲۶۴۰۶۶ صادره گرگان ثبت و سند مالکیت کاداستری بشماره مسلسل ۸۴۵۳۱۸الف/۹۱ دفتر الکترونیکی ـ صادر شده علت جابجایی نامبرده تقاضای صدورالمثنی سند مالکیت را از این اداره نموده است.از این رو به استناد به ماده ۱۲۰ ـ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می گردد تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد ظرف مدت ده روز از تاریخ آگهی اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات به این اداره تسلیم نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.

محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۳۵۳ م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

شرکت رویال پیشگام شرق بوکالت از خانم جمیله اخوین شماره ۱۸ کدملی ۲۲۴۹۵۷۷۹۷۸ صادره کردکوی فرزند حسن با ارائه دو برگ استشهادیه گواهی شده توسط دفتر اسناد رسمی شماره ۷۱۴ تهران ادعانموده که سند مالکیت ششدانگ یکدستگاه آپارتمان مسکونی واقع در طبقه دوم جنوبی به مساحت ۸۱,۸۵ مترمربع دارای پلاک شماره ۴۷۸۹ فرعی از ۲۸۷۰ فرعی از ۳ مکرر اصلی ـ اصلی واقع در بخش ۳ حوزه ثبتی گرگان که ذیل ثبت ۴۶۳۶۳ صفحه ۷ جلد ۳۲۱ بنام مالک فوق مسبوق به سابقه ثبت و صدور سند بوده است و بموجب سند رهنی شماره ۴۰۸۰۴ مورخه ۱۳۹۶/۴/۹ در رهن شرکت رویال پیشگام شرق می باشد و بموجب نامه شماره ۹۴۰۲۲۵ مورخه ۱۳۹۴/۶/۲۴ اجرای احکام شعبه ۱۲ دادگاه حقوقی گرگان در قبال ده میلیارد ریال در بازداشت می باشد بعلت جابجایی مفقود شده و نامبرده تقاضای صدورالمثنی سند مالکیت را از این اداره نموده است.از این رو به استناد به ماده ۱۲۰ ـ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می گردد تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد ظرف مدت ده روز از تاریخ آگهی اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات به این اداره تسلیم نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.

محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۳۵۹ م الف

«»

آگهی فقدان سند مالکیت

پیرو آگهی شماره ۲۸/۱/۹۶/۵۲۰۳ مورخه ۹۶/۳/۲ پلاک ۱۲۹/۱۶۱ ـ اصلی بخش دو ثبت گرگان که از قلم افتاده لذا مراتب در یک نوبت آگهی میگردد تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد ظرف مدت ده روز از تاریخ آگهی اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات به این اداره تسلیم نماید در غیراینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.

محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۳۴۹ م الف

نسخه اینترنتی روزنامه گلشن‌مهر www.golshanemehr.ir

گلشن مهر ۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶

یادداشت

مارتین‌هایدگر؛ پیراسته از حواشی و زوائد بیهوده

بهزاد بابایی

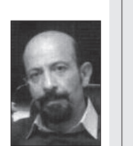

نگاشت نخستین ـ ۱

ـ هایدگـر به طـرز غریبی مورد سـوء فهم قرار گرفته و متاسفانه بسیار دیده شده که حتی دوستدارانش در تفسیر او دچار اشتباهات خطیر می شوند . . هایدگر از ان دست اندیشمندانی است که افکار خود را به وضوح بیان کرده و اتفاقا به همین دلیل با بدترین شکل از بد فهمی نیز مواجه شده است . برای فهم هایدگر نخسـت ضرورت دارد اینرا کاملا درک کنیم که کدامین مسائل باعث ان شـده که او بفکر چاره برای پاسخگویی بدانها بیفتد ؟ .. بنده مهمات فلسفه ی هایدگر را در اینجا تبیین نموده و تصور میکنم که این متن , کوتاه ترین مسیر رسیدن به فهم تفکر هایدگر باشد , اگر نخواهیم به اثارش رجوع کنیم . و اما پیش از شروع هایدگر لازم است بدانیم که رنه دکارت چه میگفت ؟ .. دکارت میگفت جهان ما جهانی اسـت که به دوپاره ی عینیت (ابژکتیو) و ذهنیت (سـابجکتیو) تقسیم شـده و ذهن ادمی مدام خود را در حال کاویدن ان عین می بیند . یعنی ذهن دارد چیزی در بیرون از خود که همانا جهان است را می کاود .. و قس علیهذا .. در فلسفه برای ایـن نگرش دکارت نـام ‹ ثنویت گرایی « و یا دوالیسـم دکارتی را بر گزیده اند . . حال موضع هایدگر در این ارتباط چیست ؟

ـ هایدگر می گوید : « ارتباط میان ما با جهان لزوما ارتباطی از نوع درگیری همیشگی ذهن ما با جهان نیست بل , ارتباط میان ذهن ما با جهان دقیقا چنین صورتی را دارد که ذهن ما فقط در نخسـتین مواجهه ی با مفاهیم و یا اشـیاء پیرامونی مان است که با انها رابطه ی شناختی پیدا می کند (یعنی سعی به فهمیدن چیسـتی و یا چگونگی حالات بودنشان در جهان می کند) و بعد از شناخت نسبی از انها , موضوع شناخت خود را (اعم از شی ء و یا مفهوم) از یاد برده و انها را به مثابه ی چیزی « دم دستی « و معمولی که حتی حضورشان دیگر احساس نمی شـود در نظر می اورد و ایـن یعنی چه ؟ .. مقصـود او را با ذکر چند مثال ساده بیان می کنم . . ۱ـ شما روز اولی که یک گوشـی و یا لـپ تاپ خریدید با ان وسـیله چگونه رابطه ای را داشتید ؟ مسلما هنوز به کار کردن با ان مسلط نبودید و سعی به شناخت ان می کردید . در ان مرحله ذهنتان مدام با شسـتی های ان کلنجار می رفت تا اینکه بالاخره و با گذشت زمان توانستید شیوه ی کار کردن با انرا بیاموزید . هایدگر می گوید : ‹ رابطه ی سوژه (ذهن) با ابژه (موضوعی که ذهن بدان معطوف اسـت) , فقط در اغاز ان رابطه است که شش دانگ و کامل است و بعد از ان دیگر این ارتباط کلا گسسته شده و شی یا ابژه به چیزی دم دستی و اشنا بدل می شـود و چون اینطور شد ان شی ء و یا ابژه , دیگر اصلا دیده هم نمی شود . بدیگر سخن او میگوید که رابطه ی شـناختی ما با جهان , بعد از انکه جهان حجـاب خود را پس زده و به چیزی اشـنا مبدل شد , دیگر رابطه ای مبتنی بر شناخت نیست بلکه مبدل به رابطه ای غیر تعاملی شـده و علت هم اینست که ابژه از شـکل امری گنگ و نا اشنا بدر امده و به زعم ما اشنا است و همین اشنایی , غرابت ابـژه را نزد ما می زداید و انـرا به چیزی دم دستی و بی اهمیت بدل می کند . . البته این دم دستی شدن نباید باعث اینشود که با خود فکر کنید مقصودش این اسـت که شما بعد از مدتـی علائق خود را به گوشـی و یا لپ تاپ خود از دسـت می دهیـد ؟! .. خیر , او میگوید : وقتی شیوه ی کارکرد انرا اموختید دیگر ارتباط ذهن شما با ان شی ء در سطوح بالای معرفتی نبوده و شـما مثلا می توانید در عین حال که با دوست خود صحبت می کنید به کارهـای عقب افتاده ی خود در لپ تاپ هم برسید بدون انکه ذهنتان لزوما بدان معطوف باشد .. او می گوید این ارتباط انقدر ادامه می یابد که ابژه دچار نقص کارایی شود و مثلا گوشی تلفن شما یکدفعه از کار بیفتد ! در اینصورت ذهن مجددا رابطه ی معرفتی را با ان اغاز و برای درسـت کردن ان مجددا بدان معطوف می شـود .. مثال سـاده ی او اینسـت که شما در حال چکش زدن به یک جسـم , ممکن است که فکرتان به هر جای دیگری سرک بکشد الی چکش زدن و یا مثلا در حـال رانندگی , امـکان ندارد به این فکر کنید که دست شما الان دارد دنده ها را عوض میکند .. او می گوید وقتی شما رانندگی را یاد گرفتید , دیگر رابطه ی ذهن شما با ان مفهوم یک رابطه ی غیر معرفت شناختی خواهد بود و ذهن شـما به ان مقوله بمنزله ی چیزی از قبل اندیشیده شده می نگرد و بنابراین ارتباط شـناختی ذهن با پدیدار در پی اشـنا شـدن نسبی با پدیدار , دیگر از جنس تامل و تدبر و شناسایی ان پدیدار نیست . چرا که پدیدار در این سطح , دیگر مبدل به چیزی اشنا شده و در سطح ذهن می خلد و نه در عمق ان . . نتیجه انکه شما در حال رانندگی اگر ذهنتان معطوف است به جای دیگری (مثلا اینکه الان در امریکا چه خبر است ؟ و یا مادرتان ان انگشتر را برای شما خرید یا نه ؟) و در عین حال رانندگی هم می کنید دلیل بر انست که این پدیده (رانندگی کردن) نزد شما به امری اشنا مبدل شده و همو اره در پس ذهن شـما است که سریان دارد و نه در پیش آن .

دعاوی و مواضع

علی نجات غلامی – بی‌شک سخیف‌ترین نوع نقد و شـرم‌آورترین نحوه‌ی مواجهه با دیگری تخریـب وی مثابه جویای نـام و طالب مطرح شـدن و غیره است که اساساً معنای دیالوگ را از بین می‌برد و هاله‌هایی قدسی به دور کسانی که خاصه در بازی قدرت‌ها مطرح شده‌اند ایجاد می‌کند. به هرحال این میل جزو نیروی حیاتی هر انسـانی اسـت که بخواهد همچون همه‌ی هسـتندگان در معرض روز قرار بگیرد. و نفهمیدن این مسـئله نشان می‌دهد که گوینده نه تنها از پدیدارشناسی بی‌خبر است که خود–نشان–دهندگی را صرفاً با درک خام «روانشناسانه–اخلاقیاتی» تخریب می‌کند – کاری که در پدیدارشناسی به اعلاءدرجه مذموم است – بلکه حتی مولوی را نیز درک نکرده اسـت آنجاکه حتی پادشاهانی که میل دارند شـعر در مدح‌شان گفته شود را نمی‌نکوهد چراکه به موجب حکایتی می‌گوید اصل این میل خدایی اسـت و وقتی خدا می‌خواهد کشـف شود و خود می‌گوید تبارک‌الله احسن الخالقین، بر انسان نیز نفس همان میل رواست، و مشکل در شیوه‌های نابجای آن است، همچون استادی که جعل مقاله به گدایی امتیاز می‌کند یا کسـی که با سـینه‌زنی حول فکر یکی دیگر نمایش برپـا می‌کند، نه جوانی که هزاران صفحه را از کوران سرقت‌ها و گرسنگی‌ها در امان داشته است. و با کسی که تصور می‌کند همدرد اسـت درددل می‌کنـد و بعدها از زبانش انگ جوانی و جویایی نام و شارلاتانیسـم می‌شنود. بدیهی است که می‌خواهم دیده شـوم اما نه خودم بلکه کلماتی که گردآورده‌ام. که بسیاری از باورهای عادت‌زده را به پرسـش می‌کشند. گاهی انسان بنا به شرم و فروتنی و غیره از ابراز مواقفش خودداری می‌کند که مبادا انگ‌های خودشیفتگی و خودبزرگ‌بینـی و غیره بـر او وارد آورند که از قضا همین امر باعث می‌شـود که در ضمن خودداری‌ها گاه چیزهایی در دل نوشـته‌هایش بیرون بجهند که از قضاء همان انگ‌ها را بر او وارد آورند. زمانی که شما سر به زیر پیش استادی می‌روی و تصوری برای تو ایجاد می‌شود که حال دانشجویی هستی زحمت‌کش، طرف ابتدا مهری مادرانه و پدرانه را نشان می‌دهـد اما زمانی که حس کند در اصل یک طرف دیالوگی، نه فرزندی برای بازتولید اعتقاداتش، مهر بلافاصله به کین بدل شده و موجودیت‌ات را از اساس با انگ‌های جوان و جویای نام و روانشناختی–اخلاقیاتی انکار می‌کنند

فکـر می‌کنم دیگـر فروتنی و احتیـاط کفایت کند، زمانـی که با همه بی‌ادعایی‌هایت،بی‌ارزش‌ترین حواشی فلسفه یعنی جزوه‌نویسان آکادمیک و یا حواریونی که حول اسامی بساطی برای خود پهن کرده‌اند، شارلاتان خطاب‌ات کنند، سکوت عین بی‌شرافتی است. دلیلی نمی‌دانم مدعاهایم را رک و پوست‌کنده نگویم و بعد در راستای تک‌تک‌شان متون تفصیلی لازمه را تولید نکرده و نشر ندهم که کسی بخواند چه نخواند. کسی هم میل به مناظره داشت ابتدا مدارک و نام و غیره اش را بیاندازد توی سطل آشغال دم درب و وارد شود تا مناظره کنیم.

مواقف و دعاوی مستقل من به شرح زیرند:

۱)من پدیدارشناسی را تنها شیوه‌ی راستین تفکر می‌دانم و مدعی‌ام که فهم‌ام از جریان پدیدارشناسی از آنجاکه بستر تاریخمند خود آن را در نظر گرفته‌ام و آن را در بده بستان‌ها و افق منازعات درونی و بیرونی‌اش می‌خوانم دست کم در ایران موثق‌ترین تفسیر است، بر همین اساس اکثر تفاسیر خاصه فردیدی‌مآب را ایدئولوژیک و یا بی‌ربط به پدیدارشناسی می‌دانم.

۲) پدیدارشناسـی از «من» شـروع می‌کند نه دیگـر ضمائر و یا فعل مجهول بی‌فاعل چونان «گفته می‌شـود». بلکه «من می‌گویم» را مصدر تفکر می‌دانم. لذا لفظ «من» در نوشته‌های من هیچ دلالت روانشناختی یا اخلاقیاتی‌ای چونان خودشیفتگی یا منیت ندارد و بدواً پدیدارشناختی به مثابه مسـئول مسـتقیم گفته‌ها بـدون حوالت به دیگـری و انواع حجیت‌هاست.

۳) بهترین الگوی روشـنفکری و کار فکری برای ایران معاصر را مشی فروغی و دهخدا می‌دانم و نسـبت به آن الگو تمامی جریانات بعدی را از شـریعتی و آل‌احمد تا به امروز هم دارای قوت‌هایی و هم کژی‌ها و کاستی‌هایی می‌بینم. فروغی به دلیل اینکه چهار ایده را دنبال کرد: ۱) احیاء نظام‌مند جهان‌بینی خودمان با تصحیح کلیات سعدی، ۲) آشنا کردن ما با نقشه و خاستگاه نظام‌مند تفکر غرب با تألیف سیر حکمت در اروپا و ترجمه‌ی دکارت، ۳) مشـارکت در کنش سیاسی با هدف مشارکت دادن ایران در روابط «ایده‌ای» بین‌الملل نه صرفاً پراتیک، یعنی ضمن فهم «ایران» نه به مثابه یک کشور تاریخی صرف بلکه به مثابه «افکار عمومی» و ۴) نیز تأملات شخصی در مسائل گوناگون. و دهخدا برای فهم ۱) تقدم «کارگـری» چونان «مقدمه‌ی فکر کردن» در گردآوری لغت‌نامه و نیز ۲) مشارکت در زبان زیست‌جهان با طنز در قلب زندگی روزمره.

۴) من خودم را از اصلی‌ترین منتقد ساختار و ایده‌ی آکادمی ایرانی می‌دانم و آن را اساسـاً دچار «تکنسینیسم» دانسته که در علوم انسانی و فلسفه و هنـر و ادبیـات عقیم و در حتی علم طبیعی نیز در حد امور تکنیکی کارآیی نسبی دارد و توان مواجهه اصیل با علوم محض –طبیعی–ریاضی را نـدارد. نقد من بر اکادمی صرفاً نقدی جامعه‌شـناختی یا اخلاقی و حتی سیاسی نیست، اینها تقلیل بحران آکادمی‌اند نقد من بدواً بر ایده‌ی هدایتگر آن چونان تکنسین‌پروری است.

۵) باور سیاسـی مرا بـدواً باورم به «دموکراسـی» معیـن می‌کند، آن دموکراسی که نهایتاً به سمت سوسیالیته میل کند، و در نسبت با ایده‌ی دموکراسـی هم منتقد وجوهی از تاریخ اروپا هسـتم و هم خواسـتار اصلاحـات در حیات تاریخی خودمان. در اروپا بر انگلسـتان به دلیل ابقاء سلطنت و در نتیجه مسموم کردن روح دموکراسی، بر آلمان به دلیل ناسیونالیسم و تخریب دموکراسی به نام ملیت و بر فرانسه به دلیل تخریب دموکراسی به نام سوسیالیته و بر آمریکا به دلیل غلبه‌ی منطق احتمالات و تکنسینیسم سیاسی و فروکاست ایده‌ی دموکراسی به گزینش و دور شدن از نگاه لینکلنی –که به موجب آن نگاه دموکراسی باید بدواً در حقوق روی دهد آنگاه سیاست –و نیز بر ایتالیا به دلیل ابرام در هاله‌ی مقدس کلیسایی و اسـتثنی خوردن دموکراسی نقد دارم. در سنت خودمان نیز معتقدم که سیاست را باید در آونگی بین سعدی و بوعلی دریافته و فهم و نقد کرد و ایده‌ی دموکراسی ایده‌ی هدایتگر این فهم و نقد باشد.

۶) سـنت ایرانی–اسلامی‌مان را حقیر نمی‌پندارم و برای سعدی و حافظ همان نقشـی در تاریخ هرگونه هنر قائلم که افلاطون و ارسطو در تاریخ فلسفه دارند که هرگونه پیشرفتی در گرو تعیین تکلیف اولیه با آنهاست. باور دارم که آنچه به نحو غیرنظام‌مند، ریتوریک و ایجازی در پس این ابیات مقفا و ظاهراًبی‌دردو مسئله‌ی فارسی نهفته است، یک عالم هستی‌شناختی عظیم است که اصلی‌ترین بدیل متافیزیک یونانی در عین هم‌بودی با آن چونان موتور محرکه تاریخ اندیشه بوده‌اند. اینکه آنچه از فردوسی تا بیدل چونان یک ابرنظام کدگذاری شـده اسـت، تاکنون استخراج نشده است دال بر نبودش نیست. فلسفه یونانی و ادبیات فارسی بارزترین نحوه‌های محقق شدن دو متور لوجیکال و ریتوریکال تفکر به‌طور کلی بوده‌اند که طبعاً در هر فرهنگی نیز به نحو درونباش عمدتاً هر دو قابل رصدند.

۷) معتقـدم که درد بشـریت کنونی ناشـی از فقـدان یک متافیزیک خاسـتگاهی یعنی «فلسـفه‌ی اولی» و معنابخش و بسترساز علوم و زندگی در سگانه‌ی مسئله‌ای خدا–انسان–جهان است که از دل خود زیسـت‌جهان، یعنی جهان مشـترک بیدار برای همه – نه جهان‌های خوابـزده‌ی خصوصی و دوکسـاتیک – برخیزد که طبعـاً ناگزیر به فهم خاسـتگاه‌های هر دو متور ریتوریـک و منطقی محرکه‌ی تاریخ ایده‌هاسـت. و آغاز هردو ریشـه در «حیرت ویرانگـر در گمان‌های بسـیاران و بت‌هـای باور» دارد کـه بدان «تکانـه‌ی ابراهیمی تفکر» می‌گویم که نفس این تکانه اعم از فلسفه، دین، اسطوره و ادبیات و در نتیجه غرب و شرق است.

۸) پـروژه‌ی اصلـی نظـری‌ام نقـد قوه‌ی اسـتفهام و سـاختارهای پرسشگری و معنابخشی پرسش به پاسخ است، و این پرسش‌شناسی را بر آمده از دل پدیدارشناسـی می‌دانم، کـه به موجب آن نظام‌های باور را منظومه‌های انباشته‌ی پاسخ‌ها قلمداد می‌کنم. لذا پرسش‌شناسی هدف‌اش فهم هر نظامی به مثابه حرکتی در مسیرهای طرح پرسش و آناتومی ادات‌های استفهام در نسبت هرمنوتیکی‌شان با ساختارهای جهان‌بینی است، و هرمنوتیک برای من نه فهم و نقد روایت‌ها – که نوعاً تن دادن دوباره به دوکساهاسـت – بلکه تبارشناسی دلالات ادات‌های استفهام در نظام‌های جهان‌بینی است. پرسش‌شناسی یک ابرنظام است که تولد و مرگ نظام‌ها را توضیح می‌دهد.

۹) به‌طور انضمامی پروژه‌ام فهم بحران خرد در خاورمیانه است که ناشی از انواع «اتمیسم‌های فرهنگی» و شکل‌گیری ماهای خودمرکزپندار است که در عمق تاریخ دنبال عنصر بسـیط هویت می‌گردند و افق‌های تالیفی زمانمند هر هویتی را فهم نمی‌کنند که با دیگری‌های خود امیخته است و تمایزی رنگینکمانی و مرزناپذیر با انها دارد. خاستگاه «قابلی» تمامی خشـونت‌های خاورمیانه را بدواً همین درک‌های اتمیسـتی از وحدت‌های زبانی، قومی، مذهبی، نژادی و غیره و غیره می‌فهمم، و پایان دادن به بحران‌های خاورمیانه بدواً در گرو پایان دادن به اینهاست. ایران را بدواً در افق خاورمیانه می‌فهمم و معتقدم که هر مسئله‌ای درباب ایران در گرو پرسش از کل خاورمیانه پاسخ می‌گیرد، زیرا تمام دقایق عینی تعین‌بخش وحدت‌های درون خاورمیانه، در بستر زمانمندی در آن چونان افق، در هم تنیده‌اند. بدین معنا در فهم مسائل مربوطه نه از یک نگاه عام جهانی شـروع می‌کنم نـه از یک فهم ملی، بلکه از یک «روح [گایست] افقی» شروع می‌کنم. پرسش از خود خاورمیانه نقطه‌ی شروعِ هرگونه فهم سیاسی– فرهنگی در کشورهای درون آن است.

درباره فلسفه تاریخ

به‌بهانه کتاب فلسفه تاریخ مرضی ثاقب‌فر

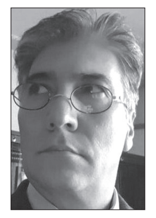

مصطفی نصیری –یکی از کتاب‌هایی که نام آن را شـنیده و همواره اشتیاق خواندن آن را داشتم، کتاب «شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران» نوشته مرتضی ثاقب‌فر بود که حدودا سه سال قبل وصال آن دست داد. از دکتر طباطبایی آموخته بودم که کلا فلسفه‌ها و اندیشه‌هایی که از خاستگاه دینی برخوردارند، نمی‌توانند فلسفه تاریخ داشته باشند، اصولا فلسـفه تاریخ در دنیای قدیم و بویژه قبل از هگل نوعی تسامح در تعبیر است وگرنه در نظام‌های فکری مبتنی بر دین که در ایران ما، چه قبل از اسـلام و چه بعد از اسـلام، همواره چنین بستری موجود بوده است، بحث از فلسفه تاریخ، نمی‌تواند بحثی مبنایی باشد، یا به‌شمار بیاید، زیرا چنین اندیشه‌هایی نمی‌توانند خود را از پیامدهای «مشیت» الهی که فضایی ولو مختصر از سرتاسر تاریخ خالی از آن نیست، برکنار نگاه دارد. به‌تعبیر دکتر طباطبایی در چنین نظام‌های فکری، به‌جای بحث از «فلسفه تاریخ»، بحث از «حکمت تاریخ» است. حکمت تاریخ؛ یعنی اطلاع از غایتی که خداوند برای تاریخ اراده کرده و اعتقاد به این‌که اراده خداوند محقق خواهد شد. به‌عنوان مثال آیه «نرید أن نمنّ علی الذین استُضعفوا و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین» یک حکت تاریخی است که اطلاعِ از آن و مهم‌تر از اطلاع، اعتقاد به آن، بینش خاصی را در باره تاریخ به شخص معتقد می‌دهد. اما فلسفه تاریخ؛ قبل از هر چیز، پذیرفتن این اصل است که عاملی غیرمادی –به‌معنی فراتر از تاریخ یا بیرون از تاریخ –در رقم خوردن وقایع تاریخی دخیل نیست. تاریخ ایران، تاریخی دینی است و چنین تاریخی محل مناسبی برای رشد فلسفه تاریخ نیست. البته این حرف به‌معنای پذیرفتن نظریه دین‌خویی آرامش دوستدار نمی‌باشد، درواقع مسئله این نیست که در ایران بدلیل سیادت فرهنگ دینی، ما نتوانستیم فلسفه تاریخ تاسیس کنیم ولی در جاهای دیگر توانستند. بلکه مسئله این اسـت که تاریخ دنیای قدیم اصولا ذیل مشیت قرار دارد. بنابراین ادعای تاریخ فلسفه در دنیای قدیم، تاکید می‌کنم به معنایی که امروز می‌شناسیم، نوعی تسامح در تعبیر است. اما درخصوص تاریخ معاصر ایران، یعنی تاریخ معاصر شیعه، هانری کربن (تاریخ فلسفه اسلامی –ترجمه دکتر طباطبایی) تاریخ شـیعه را کلا ذیل مفهوم «تاریخ قدسانی» تحلیل کرده است که هیچ یک از دو حدِّ آن، مشمول تاریخیت نمی‌شود. به‌توضیح کربن، (ص ۹۹) تاریخ قدسانی به تاریخی اطلاق می‌شود که مبتنی بر مشاهده، ثبت و نقادی وقایع تجربی نیست بلکه نوعی شیوه ادراکی فراتر از تاریخیت مادی است. تاریخیت مادی هم گفتیم به معنی این است که عاملی فراتر از تاریخ، عامل و محرک وقایع تاریخی نیست. به نظر کربن (ص ۱۰۱) یک حدِّ این تاریخ به «میثاق عالم ذر» برمی‌گردد که امری تاریخی نیست، و حدِّ دیگر آن به زمان ظهور منجی بر می‌گردد که آن‌هم زمانی تاریخی نیست. کربن تاکید می‌کند (ص ۱۰۱) هیچ گاه‌شماری نمی‌تواند تاریخ این میثاق ازلی را مشخص کند. به‌گفته طباطبایی کربن در کتاب فلسفه ایرانی –فلسفه تطبیقی هم این بحث را پی گرفته و توضیح داده است که بحث هگل در فلسفه تاریخ، یعنی ضروری دانستن ظهور عقل در تاریخ (با توجه به اینکه عقلانیت در نظام فکری هگل مسـاوق با دولت است)، یکی از موجبات پیدایش حکومت‌های توتالیتر در تاریخ است، حال آن‌که حکمت تاریخی شیعی از چنین پیامدهایی مبراست. اما فلسفه تاریخ در دنیای جدید و در معنای جدید با هگل آغاز می‌شود. قبل از هر چیز باید بدانیم که اکثر هگل شناسان، از جمله دکتر طباطبایی، فلسفه هگل را فلسفه‌ای با مبانی دینی می‌دانند. به‌همین دلیل است که دکتر طباطبایی معتقدند که هگل در تاسیس فلسفه خود نمی‌توانست از کنار موضوع «ضرورت» یا همان «مشیت» که اساس هر دیانتی است، به راحتی بگذرد و بر آن گردن ننهد. هگل با اقرار به ضرورت در فلسفه تاریخ خود، از یکسو بحثی موافق با اساس دیانت مسیحی انجام داد، اما او از سوی دیگر گفت که تنها ضرورتی که در تاریخ محقق شده، ظهور عقل در تاریخ و بسط آن در سیر تاریخی خود است. به‌تعبیر دکتر طباطبایی، اینجا یکی از مواضعی است که کفریات هگلـی رخ می‌نماید زیرا عقل مطلق هگلی درواقع همان خدای ادیان اسـت و هگل با ظهـور دادن آن در تاریخ، خداونـد را تاریخی کرده است، مضمونی که با اسـاس هر دیانتی ناسازگار است. از نظر هگل، آزادی چیزی جز درک این ضرورت، یعنی ظهور و بسط عقلانیت در تاریخ نیست. عزیمتگاه بحث هگل هرچند دینی بود اما دستاوردهای او تبعات زیانباری برای تئولوژی داشت. به گفته دکتر طباطبایی، هایدگر با انگشت گذاشتن بر این دستاورد، معتقد است که هگل هرچند تئولوگ نبود ولی بحث او در فلسفه تاریخ، درواقع وجه منفی از متافیزیک بوده و از این حیث بسـیار مهم است. این‌که می‌بینیم مارکس هم نقادی خود از فلسـفه هگل را بر فلسـفه تاریخ هگل متمرکز کرد و در این راستا مهمترین نقدش بر هگل را درواقع بر کتاب اصول فلسفه حق نگاشت، نشانگر عمق شـناخت مارکس از زوایای فلسفه هگل است. مارکس فلسـفه تاریخ هگل را عامل حفظ مناسـبات بورژوایی و مظهر اقتدار آن یعنی دولت می‌دانسـت. مارکس بارها تاکید کرده است که ماشین دولت و نظام حقوقی ناشـی از لیبرالیسم را باید خرد کرد، زیرا ضامن بقای مناسبات بورژوایی است. برگردیم به کتاب ثاقب‌فر و اضافه کنم که ما نمی‌توانیم از فلسفه تاریخ در ایران باستان (تاکید می‌کنم به‌معنایی که امروزه از فلسفه تاریخ می‌فهمیم، یا در معنای هگلی فلسفه تاریخ) سخن بگوییم، بلکه درستر آن است که قایل به نوعی خودآگاهی ایرانی باشیم. این سرّ آن چیزی اسـت که دکتر طباطبایی در بحث‌های ایرانشهری، مفهوم «ملت» را در گیومه قرار می‌دهند. بهرحال سخن گفتن از فلسفه تاریخ قبل از هگل، تنها با نوعی تسامح در تعبیر ممکن است.

کیش زروان در فرهنگ ما

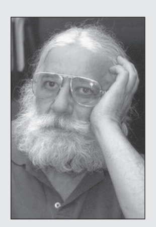

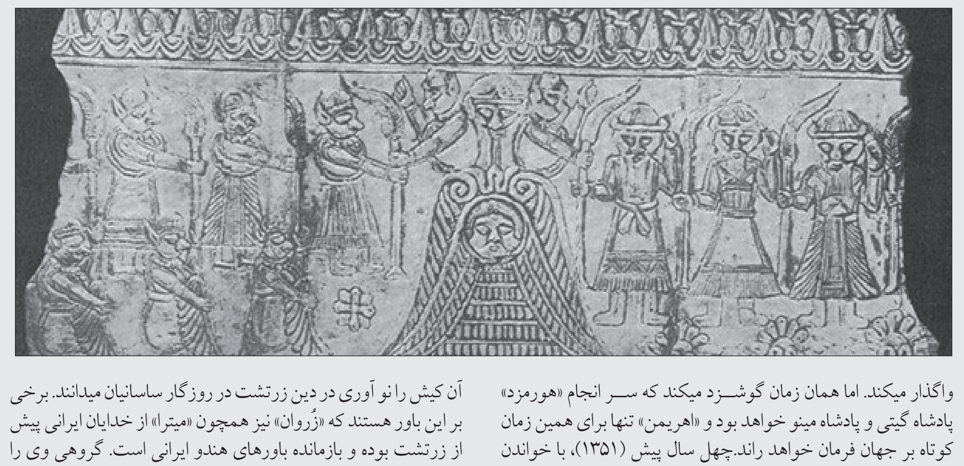

یـدالله رضوانی–پـلاک سـیمین در تصویر، نزدیک سه هزار سال پیش (۹۰۰ پیش از زایش مسیح) در لرستان ساخته شده و اکنون در موزه سینسیناتی (در آمریکا) نگهداری میشود. برخی از کارشناسـان آنرا نمایش اسطوره آفرینش در کیـش «زُروان»(Zorvan) میدانند. این کیش باسـتانیایران، بر پایه زایش دو بُن نیک و بد از خدای زَمان، استوار گشته. «زُروان» که در دین زرتشت ایزد زمان بی آغاز و انجام است، در این کیش، خدایاست که پیش از آفرینش زمین و آسمان بوده و جاوان خواهد بود. برای داشتن فرزندی، هزار سال قربانی(۱) به جا میاُورد و «هورمزد» (اهورمزدا)در زهدان وی هسـتی میابد. ولی در پایان هزار سال، تردید میکند که آیا به راستی فرزندی خواهد داشت یا نه. از این تردید، «اهریمن» هستی میابد. «زُروان» با خود پیمان میبندد تا پادشـاهی جهان را به نخستین فرزندی ببخشـد که زاده خواهد شد. «هورمزد»که همه–دانا بوه، برادر همزاد خود، «اهریمن» را از پیمان «زُروان» (زاینده خود) آگاه می کند. آنگاه «اهریمن» زهدان را میدرد و از آن خارج می شود. «زُروان» از او می پرسد که تو کیستی؟ تو را نمی‌شناسم و «اهریمن» پاسخ می میدهد «منـم فرزند تو». «زُروان» می گوید من برای زادن فرزندی روشـن و نورانی و خوش‌بو قربانی میکردم، اما تو بدبو و تیره هستی، از این رو فرزند من نیستی. آن گاه «اهورامزدا» زاده می شود و از آنجا که نورانی و خوش‌بو بوده، «زُروان» او را پذیرا شده شاخه‌های «بَرسَم» به او میدهد و میگویـد: «تا به امروز من بـرای آمدنِ تو قربانی میکردم، از این پس تو برای من قربانی خواهی کـرد». در این میان «اهورامزدا» از «زُروان» میخواهـد تا بر پایه پیمانش، «اهریمن» را که پیش از او زاده شـده به پادشـاهی برگزیند. زروان پادشاهی را برای نُه هزار سال به «اهریمن» واگذار میکند. اما همان زمان گوشـزد میکند که سـر انجام «هورمزد» پادشاه گیتی و پادشاه مینو خواهد بود و «اهریمن» تنها برای همین زمان کوتاه بر جهان فرمان خواهد راند.چهل سال پیش (۱۳۵۱)، با خواندن کتابی از نوشته های آقای احسـان طبری، برای نخستین بار با کیش «زروان» آشنا شـدم. «زُروان» (Zorvan) یازَروان(Zarvan)برابر با واژه زمان در زبان پهلوی اسـت که در دین زرتشت، ایزد زمان بوده و «اهور مزدا» او را آفریده.کارشناسان، «زُروانیان» را پیروان کیش «زُروان» و آن کیش را نوآوری در دین زرتشت در روزگار ساسانیان میدانند. برخی بر این باور هستند که «زُروان» نیز همچون «میترا» از خدایان ایرانی پیش از زرتشت بوده و بازمانده از باورهای هندو ایرانی است. گروهی وی را خدایی در غرب ایران و برگرفته از خدایان میانرودان میدانند. این روزها هم کسانی همچون آقای کیانوش رضانیا(Rezania, Kianoosh)، «کیش زروان» را برداشت اشتباه ایران شناسان از نوشته های مورخین ارمنی، سـریانی و اسـلامی از یک چالش دین شناسی زرتشتی میانه، میداند. بیشتر کارشناسان «زُروان» را در خود بسنده و زن و هم مرد باهم میدانند ولی کسانی او را خدایی مرد و دارای همسری با نام «خوشیزگ» (xwašizag)یاد کرده اند. کارشناسانی همچون «زنز»، «کومن»، «بیده» و «بویس» شناخته شده ترین پیش کسوت ها در بررسی این کیش بوده اند. یکی از سرچشـمه های آگاهی و داوری کارشناسان، نوشته کسی بوده به نام «اَزنیک کوقباتسی» که یک مسیحی ارمنی روزگار ساسانی و یکی از بنیان گذاران کلیسای مسیحی درارمنستان است و نخستین بار انجیلها را به زبان ارمنی ترجمه کرده. هنگام کشمکش میان زرتشتیان و مسـیحیان در ارمنستان، برای نشان دادن برتری مسیحیت، برداشت خود از دیگر دینهای زمانه را درنوشته جداگانه ای آورده. بخشـهای زیادی از نوشـته وی در باره «زُروان»، «اهورامزدا» و «اهریمن» اسـت. این نوشته که در آن «اَزنیک» از دیدگاه یک مسیحی، به کیش «زُروان» می تازد، یکی از شـناخته شده ترین نوشته های به جامانده از روزگار ساسانی در باره کیش و استوره «زُروان» است.نوشته یاد شده، پیشتر به فارسی برگردانیده شـده و دکتر پرویز رجبی آنرا در کتاب هزاره‌های گمشده آورده است.

پلاک زرین به جامانده از نزدیک سـه هزار سال پیش در لرستان–در موزه ژاپن

اگر این نگاره ها در لرستان، نمادی از «زُروان»، خدای زاینده «اهورمزدا» و «اهریمن» باشـند، میتوانیم او را هم زن و هم مرد و پیدایش «کیش زُروان» را پیش از زمان ساسانی بدانیم.

یدالله رضوانی ۱۳۹۱

(۱)دیدگاهم در باره پنداره (مفهوم) قربانی کردن در فرهنگ ما، به ویژه بدست یک خدا، پیش از آفرینش گیتی و پیدایش خدایی دیگر را جداگانه نوشته ام.

تاریخ نگاری ممکن نیست مگر با داشتن نظریه ای در باب زمان های تاریخی •کوزلک